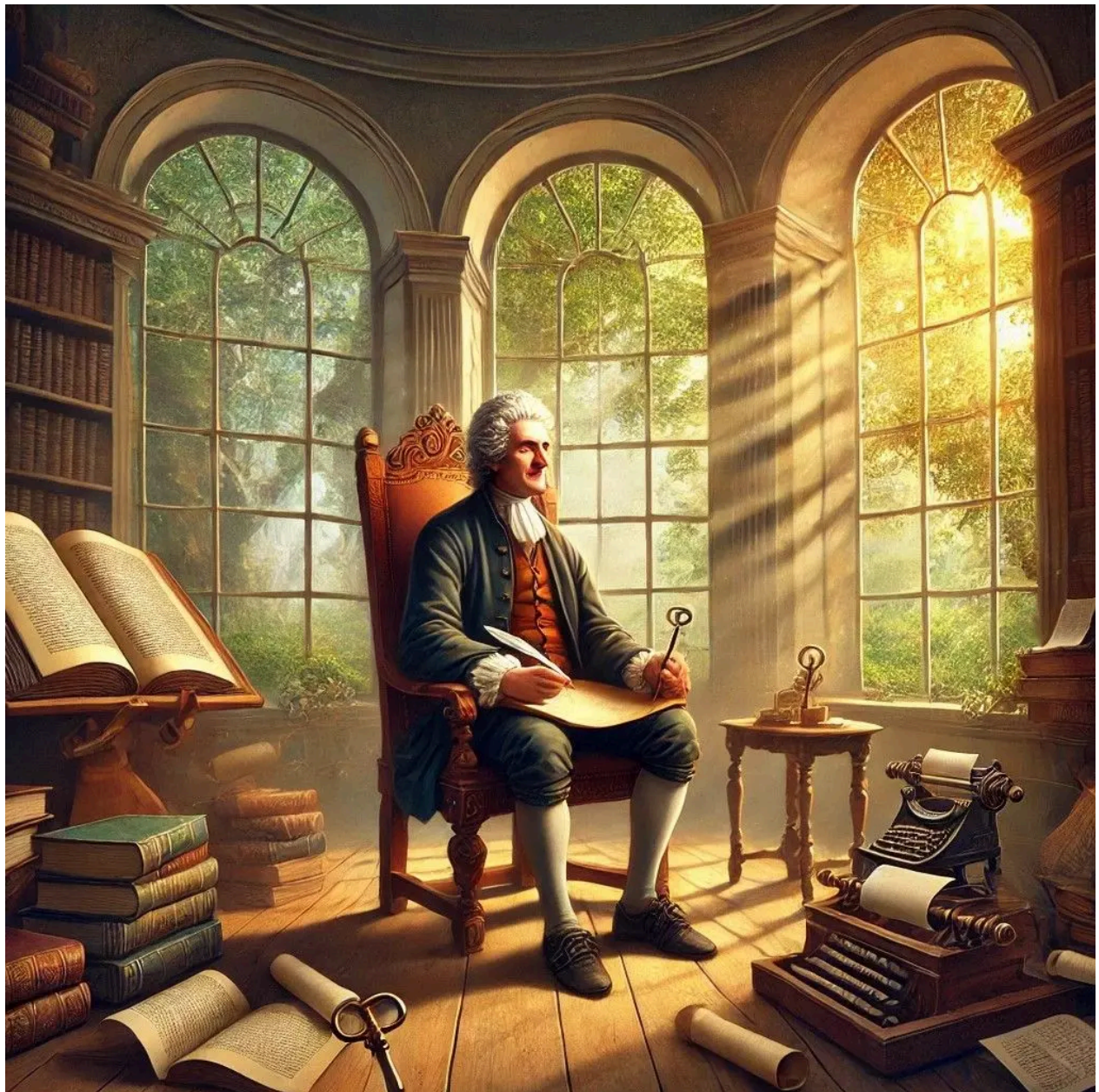




مکتب فکری جان لاک (John Locke)



موسسه سروش پژوهان ایرانیان | اکو کاغذ

مکتب فکری جان لاک (John Locke) - تجربه‌گرایی و لیبرالیسم

کلاسیک

جان لاک (1632-1704)، فیلسوف انگلیسی، یکی از بنیان‌گذاران مکتب تجربه‌گرایی (Empiricism) و از پیشگامان لیبرالیسم کلاسیک بود. او معتقد بود که تمام دانش انسان از تجربه حاصل می‌شود و ذهن در ابتدای تولد، مانند یک صفحه‌ی سفید (Tabula Rasa) است که با گذر زمان و کسب تجربه، پر می‌شود.

لاک همچنین تأثیر عمیقی بر فلسفه‌ی سیاسی گذاشت و استدلال کرد که حکومت باید بر اساس رضایت مردم بنا شود، حقوق طبیعی انسان‌ها (زندگی، آزادی و مالکیت) را حفظ کند و در برابر مردم پاسخگو باشد. اندیشه‌های او بنیان فکری دموکراسی مدرن و نظام‌های لیبرال را شکل دادند.

۱. تعریف کلی مکتب جان لاک

لاک فلسفه‌ی خود را بر تجربه‌گرایی (Empiricism) در شناخت‌شناسی و لیبرالیسم در سیاست بنا کرد.

او برخلاف دکارت که معتقد بود برخی ایده‌ها به‌طور پیشینی در ذهن انسان وجود دارند، استدلال کرد که ذهن انسان در آغاز، خالی است و تمام دانش از طریق تجربه‌ی حسی و مشاهده به‌دست می‌آید.

در حوزه‌ی سیاست، او نظریه‌ی قرارداد اجتماعی را مطرح کرد و گفت که حکومت مشروع، حکومتی است که با رضایت مردم تشکیل شده و موظف به حفظ حقوق طبیعی آن‌هاست.

۲. اصول کلیدی فلسفه‌ی جان لاک

۲.۱. تجربه‌گرایی - ذهن انسان مانند یک صفحه‌ی سفید است

لاک معتقد بود که هیچ ایده‌ی ذاتی (Innate Ideas) وجود ندارد و تمام دانش از تجربه حاصل می‌شود.

او استدلال کرد که ذهن انسان در هنگام تولد مانند یک صفحه‌ی سفید (Tabula Rasa) است که به‌تدریج با تجربیات پر می‌شود.

دو منبع اصلی تجربه عبارتند از:

۱. **حس کردن (Sensation):** تجربه‌ی مستقیم از طریق حواس، مانند دیدن، شنیدن و لمس کردن.

۲. **بازتاب (Reflection):** پردازش و تحلیل ذهنی آنچه از طریق حواس دریافت شده است.

برای نمونه، کودکی که آتش را لمس می‌کند، از طریق حس لامسه، گرما و درد را تجربه می‌کند و سپس نتیجه می‌گیرد که آتش سوزاننده است.

۲.۲. نقد ایده‌های فطری - دانش از طریق تجربه شکل می‌گیرد

لاک به شدت با نظریه‌ی دکارت که می‌گفت برخی ایده‌ها به‌طور ذاتی در ذهن وجود دارند، مخالفت کرد.

او استدلال کرد که اگر ایده‌هایی مانند "خدا" یا "اخلاق" ذاتی بودند، باید همه‌ی انسان‌ها از بدو تولد آن‌ها را می‌دانستند، اما مشاهدی جوامع مختلف نشان می‌دهد که چنین باورهایی از طریق آموزش و تجربه شکل می‌گیرند.

۲.۳. نظریه‌ی معرفت - دانش به سه سطح تقسیم می‌شود

لاک دانش را به سه دسته‌ی اصلی تقسیم کرد:

۱. **دانش شهودی (Intuitive Knowledge):** دانشی که بلافاصله درک می‌شود، مانند اینکه "یک دایره گرد است".

۲. **دانش اثباتی (Demonstrative Knowledge):** دانشی که از طریق استدلال منطقی به دست می‌آید، مانند ریاضیات.

۳. **دانش تجربی (Sensitive Knowledge):** دانشی که از طریق مشاهده و تجربه حاصل می‌شود، مانند شناخت ما از اشیای اطراف.

او تأکید داشت که دانش تجربی، قابل اعتمادترین نوع دانش است، اما هرگز به قطعیت مطلق نمی‌رسد.

۲.۴. نظریه‌ی قرارداد اجتماعی - حکومت باید بر اساس رضایت مردم باشد

لاک یکی از نخستین فیلسوفانی بود که مفهوم "قرارداد اجتماعی" را مطرح کرد و بر حقوق طبیعی انسان‌ها تأکید داشت.

او استدلال کرد که انسان‌ها در "وضعیت طبیعی" (State of Nature) آزاد هستند، اما برای محافظت از حقوق خود، دولت را ایجاد می‌کنند.

از نظر او، حکومت باید:

۱. حقوق طبیعی (زندگی، آزادی و مالکیت) را حفظ کند.
۲. بر اساس رضایت مردم اداره شود.
۳. در برابر شهروندان پاسخگو باشد و در صورت نقض حقوق مردم، قابل سرنگونی باشد.

این نظریات، تأثیر زیادی بر انقلاب آمریکا و اعلامیه‌ی استقلال ایالات متحده داشتند.

۲.۵. نظریه‌ی مالکیت - کار، منبع مشروعیت مالکیت است

لاک استدلال کرد که مالکیت خصوصی، یک حق طبیعی است که از طریق کار و تلاش مشروع می‌شود.

او باور داشت که وقتی فردی بر روی زمین کار می‌کند، آن زمین به او تعلق دارد، زیرا او بخشی از نیروی خود را در آن سرمایه‌گذاری کرده است.

این دیدگاه، پایه‌ی بسیاری از نظریات اقتصاد لیبرال و سرمایه‌داری کلاسیک شد.

۳. مقایسه‌ی جان لاک با فیلسوفان دیگر

لاک برخلاف دکارت که بر عقل و ایده‌های فطری تأکید داشت، بر تجربه‌گرایی و نقش مشاهده در شناخت تأکید کرد. برخلاف هابز که حکومت مطلقه را ضروری می‌دانست، لاک معتقد بود که حکومت باید محدود و پاسخگو باشد. برخلاف افلاطون که به "حکومت فیلسوفان" اعتقاد داشت، لاک بر حاکمیت مردم و اصل دموکراسی تأکید داشت.

۴. نقد و مخالفت با فلسفه‌ی جان لاک

برخی فیلسوفان عقل‌گرا، مانند لایبنیتس، معتقد بودند که برخی دانش‌ها (مانند ریاضیات) نمی‌توانند صرفاً از تجربه حاصل شوند. برخی نظریه‌پردازان سیاسی، مانند روسو، استدلال کردند که نظریه‌ی مالکیت لاک،

ممکن است به نابرابری و سوءاستفاده از منابع طبیعی منجر شود. برخی فلاسفه‌ی مدرن نیز معتقدند که دیدگاه لاک درباره‌ی ذهن به‌عنوان "صفحه‌ی سفید" بیش از حد ساده‌انگارانه است.

۵. تأثیر فلسفه‌ی جان لاک در حوزه‌های مختلف

در فلسفه، لاک پایه‌گذار تجربه‌گرایی و معرفت‌شناسی مدرن شد. در سیاست، نظریه‌های او درباره‌ی حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی، مبنای لیبرالیسم کلاسیک و دموکراسی مدرن شدند. در اقتصاد، نظریه‌ی او درباره‌ی مالکیت خصوصی، پایه‌ی نظام سرمایه‌داری شد. در روانشناسی، ایده‌ی "صفحه‌ی سفید"، الهام‌بخش نظریه‌های یادگیری و رشد شناختی شد.

۶. نتیجه‌گیری: آیا دانش فقط از تجربه حاصل می‌شود؟

جان لاک این پرسش را مطرح می‌کند که آیا تمام دانش ما از تجربه به‌دست می‌آید، یا اینکه برخی ایده‌ها و اصول به‌طور ذاتی در ذهن وجود دارند؟

اگر طرفدار لاک باشید، باور دارید که ذهن انسان در ابتدا خالی است و تنها از طریق تجربه، دانش کسب می‌کند. اگر مخالف او باشید، ممکن است مانند عقل‌گرایان معتقد باشید که برخی اصول (مانند منطق و ریاضیات) مستقل از تجربه هستند.

در نهایت، جان لاک یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان تاریخ است که نظریات او هنوز در فلسفه، سیاست، اقتصاد و علوم شناختی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

♦ سفر قهرمانی جوزف کمپل شامل چندین مرحله است که قهرمان از دنیای معمولی خود فراخوانده می‌شود و وارد دنیای جدیدی می‌شود که در آن با چالش‌ها و دشمنان مواجه می‌شود. در این مسیر، قهرمان از یک راهنما یا استاد کمک می‌گیرد، با مشکلات و تضادهای درونی خود روبه‌رو می‌شود، و در نهایت از این تجربیات برای رشد و تحول استفاده می‌کند. پس از پیروزی بر موانع، قهرمان به دنیای خود بازمی‌گردد، اما با آگاهی و قدرت جدیدی که به دیگران کمک می‌کند. این سفر نشان‌دهنده‌ی فرآیند تغییر و تکامل فردی است.

۱) جهان عادی در مکتب فکری جان لاک چگونه تعریف می‌شود؟

✦ پاسخ کوتاه:

جهان عادی در فلسفه‌ی جان لاک، دنیایی است که در آن افراد باور دارند که ذهن دارای ایده‌های فطری است، اما لاک معتقد است که همه‌ی دانش ما از تجربه نشأت می‌گیرد و ذهن در ابتدا مانند یک لوح سفید (Tabula Rasa) است.

✦ جزئیات آموزشی:

- لاک برخلاف عقل‌گرایانی مانند دکارت و لایبنیتس، اعتقاد داشت که ذهن انسان در لحظه‌ی تولد هیچ دانش پیشینی ندارد و همه‌ی شناخت‌ها از طریق تجربه حاصل می‌شوند.
- او جهان عادی را پر از افرادی می‌دید که بدون بررسی تجربی، به باورهای متافیزیکی و انتزاعی ایمان دارند.
- در این جهان، افراد اغلب نمی‌دانند که چگونه به دانش می‌رسند و تصور می‌کنند که برخی اصول، ازلی و فطری‌اند، درحالی‌که لاک نشان می‌دهد که همه‌ی شناخت‌ها از ادراک حسی و تأملات درونی ناشی می‌شوند.

۲) فراخوان ماجراجویی در مکتب جان لاک چه مفهومی دارد؟

✦ پاسخ کوتاه:

فراخوان ماجراجویی زمانی رخ می‌دهد که فرد متوجه می‌شود که دانش از طریق تجربه کسب می‌شود و هیچ ایده‌ی فطری‌ای در ذهن وجود ندارد.

✦ جزئیات آموزشی:

- لاک در "مقاله‌ای درباره‌ی فهم انسانی" نشان می‌دهد که **تمام شناخت‌های ما از دو منبع می‌آید: احساس (Sensation): تجربه‌ی مستقیم از جهان خارج از طریق حواس. تأمل (Reflection): پردازش و تحلیل اطلاعات حسی در ذهن. **

- این لحظه‌ی فراخوان زمانی رخ می‌دهد که فرد درمی‌یابد که باید دانش را از طریق تجربه و مشاهده کسب کند، نه از طریق شهود یا ایده‌های از پیش تعیین‌شده.
- این درک، فرد را از وابستگی به باورهای بی‌اساس جدا کرده و او را به تفکر علمی و تجربی سوق می‌دهد.

۳) امتناع از دعوت در مکتب جان لاک چگونه بروز می‌کند؟

📌 پاسخ کوتاه:

امتناع از دعوت زمانی رخ می‌دهد که فرد نمی‌خواهد بپذیرد که تمام دانش او باید از تجربه حاصل شود و همچنان به باورهای فطری و مطلق‌گرایانه چنگ می‌زند.

📌 جزئیات آموزشی:

- بسیاری از افراد به سنت‌های فلسفی و دینی‌ای که ایده‌های فطری را پذیرفته‌اند، وابسته‌اند و نمی‌خواهند باور کنند که ذهن آن‌ها در ابتدا خالی بوده است.
- برخی فلاسفه مانند دکارت معتقد بودند که اصولی مانند منطق، اخلاق و ریاضیات فطری‌اند، اما لاک نشان داد که این‌ها نیز از تجربه و یادگیری حاصل می‌شوند.
- مقاومت در برابر این ایده ناشی از راحت‌طلبی فکری و وابستگی به باورهای سنتی است که فرد را از روش تجربی باز می‌دارد.

۴) ملاقات با راهنما در مکتب جان لاک چه نقش مهمی دارد؟

📌 پاسخ کوتاه:

راهنما در فلسفه‌ی جان لاک، روش علمی، تجربه‌گرایی و تفکر نقادانه است که فرد را به سوی پذیرش این حقیقت هدایت می‌کند که دانش واقعی از طریق مشاهده و تجربه به‌دست می‌آید.

📌 جزئیات آموزشی:

- لاک تأکید داشت که باید برای کشف حقیقت از روش علمی استفاده کرد و هر ادعایی را با تجربه و مشاهده آزمود.

- روش تجربی و تحلیل منطقی به عنوان راهنمای فرد عمل می‌کند و او را از فریب باورهای غیرتجربی و غیرقابل آزمایش نجات می‌دهد.
- فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن و نیوتن نیز در این مسیر الهام بخش‌اند، زیرا آن‌ها نیز بر تجربه و مشاهده‌ی تجربی به عنوان پایه‌ی دانش تأکید داشتند.

۵) عبور از آستانه در مکتب جان لاک چه مفهومی دارد؟

✦ پاسخ کوتاه:

عبور از آستانه لحظه‌ای است که فرد می‌پذیرد که دانش او از تجربه‌ی حسی و تفکر منطقی نشأت می‌گیرد و هیچ ایده‌ی فطری در ذهن او وجود ندارد.

✦ جزئیات آموزشی:

- در این مرحله، فرد از باورهای پیشینی و سنتی جدا شده و به جستجوی دانش بر اساس تجربه‌ی مستقیم و استدلال علمی می‌پردازد.
- فرد می‌فهمد که هر ادعایی که نتوان آن را با مشاهده و تجربه آزمود، ارزش شناختی ندارد.
- این عبور، فرد را به سمت یک نگاه جدید به جهان سوق می‌دهد که در آن دانش امری تجربی، پویا و مبتنی بر آزمون و خطا است.

۶) آزمون‌ها، متحدان و دشمنان در مکتب جان لاک چه نقشی دارند؟

✦ پاسخ کوتاه:

آزمون‌ها، موقعیت‌هایی‌اند که فرد را وادار به بررسی تجربی ادعاهای خود و کنار گذاشتن باورهای غیرقابل اثبات می‌کنند. متحدان، تجربه، مشاهده و علم‌اند. دشمنان، جزم‌گرایی و باورهای فطری‌اند.

✦ جزئیات آموزشی:

- آزمون‌ها: بررسی اینکه آیا باورهای فرد بر اساس تجربه و مشاهده‌اند یا صرفاً تقلیدی از دیگران؟
مواجهه با شکاکیت و نیاز به یافتن شواهد تجربی برای دفاع از باورها.

- متحدان: علم و روش تجربی که به فرد کمک می‌کند تا حقیقت را از طریق مشاهده کشف کند.
تفکر انتقادی که فرد را از پذیرش کورکورانه‌ی باورها بازمی‌دارد.
- دشمنان: جزم‌گرایی فلسفی که حقیقت را مستقل از تجربه می‌داند.
باور به ایده‌های فطری که مانع جستجوی علمی و تجربی می‌شود.

۷) نزدیک شدن به غار درونی در مکتب جان لاک چگونه بیان می‌شود؟

♦ پاسخ کوتاه:

این مرحله زمانی رخ می‌دهد که فرد با چالش‌نهایی خود در پذیرش تجربه‌گرایی مواجه می‌شود: آیا او حاضر است که تمام باورهای خود را تنها بر اساس تجربه و مشاهده بنا کند؟

♦ جزئیات آموزشی:

- برخی افراد هنوز نمی‌توانند بپذیرند که هیچ ایده‌ی فطری‌ای وجود ندارد و دانش کاملاً وابسته به تجربه است.
- فرد ممکن است با تردید درباره‌ی حد و مرز تجربه و توانایی آن در ارائه‌ی شناخت کامل مواجه شود.
- این مرحله، آزمونی برای تعهد فرد به روش علمی و مشاهده‌ی تجربی است.

۸) پیام‌نهایی مکتب جان لاک چیست؟

♦ پاسخ کوتاه:

پیام‌نهایی این است که ذهن انسان در ابتدا یک لوح سفید است و تمام دانش از طریق تجربه و مشاهده کسب می‌شود.

♦ نتیجه‌گیری:

- لاک نشان داد که هیچ ایده‌ای فطری نیست و شناخت تنها از طریق تجربه حاصل می‌شود.
- دانش باید از طریق مشاهده، آزمایش و تفکر انتقادی بررسی شود، نه از طریق اصول از پیش تعیین شده.
- روش علمی و تجربه‌گرایی پایه‌های اساسی برای شناخت جهان و درک حقیقت‌اند.

📌 سایه‌ها و ارتباطشان با کهن الگوهای سفر قهرمانی جوزف کمپل:

۱. **سایه‌ی قهرمان (خود منفی):** قهرمان به‌طور مداوم با جنبه‌های تاریک خود، ترس‌ها و ضعف‌های درونی‌اش روبه‌رو می‌شود. کهن‌الگوی سایه، نمایانگر این تضاد درونی است که قهرمان برای تحول باید بر آن غلبه کند و از آن عبور کند.
۲. **سایه‌ی استاد (والد نیکوکار یا آموزگار معنوی):** قهرمان برای رسیدن به خودآگاهی و توانایی‌های جدید، با شخصی حکیم یا استاد مواجه می‌شود که توانایی‌های درونی‌اش را بیدار می‌کند. این استاد در نهایت، قهرمان را به مواجهه با سایه‌ها و کشف حقیقت خود هدایت می‌کند.
۳. **سایه‌ی حریف (آنتاگونیست یا نیروهای منفی):** نیروهایی که از خارج قهرمان را به چالش می‌کشند و به‌طور معمول نمایانگر تضادها و مشکلات اجتماعی یا فردی هستند. کهن‌الگوی دشمن یا آنتاگونیست نشان می‌دهد که برای دستیابی به پیروزی و تکامل، قهرمان باید این موانع را شکست دهد.

سایه‌ی اصلی در مکتب فکری جان لاک:

اتکای بیش از حد به تجربه، نادیده گرفتن نقش شهود و عقل فطری، و خطر فردگرایی افراطی که می‌تواند به فروپاشی انسجام اجتماعی منجر شود.

ارتباط با کهن‌الگوها:

۱. مکتب فکری جان لاک - کهن‌الگوی تجربه‌گرایی جستجوگر حقیقت
- لاک، به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران تجربه‌گرایی، معتقد بود که تمام دانش از تجربه نشأت می‌گیرد و ذهن

انسان در بدو تولد مانند یک "لوح سفید" (Tabula Rasa) است. این تفکر، مانند کهن‌الگوی جوینده‌ی حقیقت، تأکید دارد که انسان باید از طریق مشاهده و تجربه به درک واقعیات برسد. سایه‌ی این نگرش، نادیده گرفتن تأثیر عوامل فطری و درونی در شناخت و تمرکز بیش از حد بر محیط خارجی است.

۲. نظریه‌ی ذهن به‌عنوان لوح سفید - کهن‌الگوی کودک پاک و بی‌تأثیر از پیش‌فرض‌ها
لاک، بر این باور بود که ذهن انسان در هنگام تولد هیچ دانش پیشینی ندارد و تمام شناخت او از طریق تعامل با محیط شکل می‌گیرد. این دیدگاه، مانند کهن‌الگوی کودک معصوم، انسان را به‌عنوان موجودی کاملاً انعطاف‌پذیر و شکل‌پذیر می‌بیند. سایه‌ی این نگرش، نفی استعدادهای درونی، شهود، و تأثیرات ژنتیکی بر تفکر و شخصیت است.

۳. حکومت و حقوق طبیعی - کهن‌الگوی بنیان‌گذار قرارداد اجتماعی
لاک، از مفهوم "حقوق طبیعی" (زندگی، آزادی، و مالکیت) دفاع کرد و معتقد بود که دولت باید برای محافظت از این حقوق شکل بگیرد. این نظریه، مانند کهن‌الگوی بنیان‌گذار تمدن، بر ایجاد ساختارهای اجتماعی بر پایه‌ی آزادی و قانون تأکید دارد. سایه‌ی این دیدگاه، خطر فردگرایی افراطی و کاهش حس مسئولیت اجتماعی است.

۴. نقد استبداد و حمایت از آزادی - کهن‌الگوی قهرمان آزادی‌خواه
لاک، با رد نظریه‌ی حق الهی پادشاهان، از حکومتی که مبتنی بر رضایت مردم باشد، دفاع کرد. این تفکر، مانند کهن‌الگوی قهرمان آزادی‌خواه، در برابر استبداد ایستاده و از آزادی فردی دفاع می‌کند. سایه‌ی این نگرش، احتمال بی‌ثباتی اجتماعی و هرج‌ومرج ناشی از آزادی‌های نامحدود است.

۵. تجربه‌گرایی در برابر عقل‌گرایی - کهن‌الگوی نبرد میان مشاهده و تفکر انتزاعی
لاک، برخلاف فیلسوفانی مانند دکارت، معتقد بود که دانش از تجربه حاصل می‌شود، نه از ایده‌های فطری. این تضاد، مانند کهن‌الگوی جنگجوی حقیقت، نبرد میان مشاهده و تأمل انتزاعی را نشان می‌دهد. سایه‌ی این دیدگاه، نادیده گرفتن توانایی‌های فطری ذهن در تحلیل و استدلال است.

۶. خطر سقوط به نسبی‌گرایی معرفتی - کهن‌الگوی شکاک منفعل
اگر فلسفه‌ی لاک بیش‌ازحد به سمت تجربه‌گرایی متمایل شود، ممکن است منجر به نسبی‌گرایی افراطی شود، جایی که هیچ حقیقتی مستقل از تجربه‌ی شخصی وجود ندارد. این نگرش، مانند کهن‌الگوی شکاک منفعل، می‌تواند به سردرگمی در تعیین معیارهای مطلق حقیقت و دانش منجر شود. سایه‌ی این مرحله، فقدان قطعیت و بی‌ثباتی در شناخت است.

۷. شفای سایه‌ی فلسفه‌ی لاک - کهن‌الگوی ادغام تجربه و عقل در شناخت

برای رهایی از سایه‌های فلسفه‌ی لاک، باید میان تجربه و عقل تعادل برقرار کرد؛ پذیرش نقش تجربه در شناخت، در کنار توجه به شهود، منطق، و تأثیرات درونی بر ذهن. این مسیر، مانند سفری است که در آن فرد، پس از تجربه‌ی واقعیت‌های جهان، به درکی عمیق‌تر از نحوه‌ی تعامل میان تجربه و تفکر منطقی می‌رسد.

نتیجه:

سایه‌ی اصلی فلسفه‌ی جان لاک، تأکید بیش‌ازحد بر تجربه و فردگرایی است که می‌تواند به نسبی‌گرایی معرفتی و کاهش حس مسئولیت اجتماعی منجر شود. مسیر شفای آن، در ایجاد تعادل میان مشاهده‌ی تجربی و تفکر عقلانی، و پذیرش نقش همزمان فرد و جامعه در شکل‌گیری دانش و سیاست نهفته است.